

اصول تشکیلات این دادگاه در ضمن آئین نامه ملی بنام تشکیلات محاکمات نظامی مصوب ۲۱ دلو ۱۳۰۱ پیش بینی شده و آئین دادرسی در این دادگاه در آئین نامه دیگری بنام اصول محاکمات نظامی مصوب ۱۳ جدی ۱۳۰۱ تفصیلاً بیان شده و جرائم نظامی و کیفر آنها نیز در ضمن آئین نامه ملی بنام قانون جزای نظامی مصوب ۱۷ عرق ۱۳۰۱ منظور گردیده بود ولی آئین نامه های نامبرده علاوه بر آنکه صورت قانونی نداشتند و از تصویب مجلس و حتی از تصویب کمیسیون عدلیه مجلس وقت نگذشته بودند دارای نواقص بسیار بوده و بوسیله متخصصین حقوق دان تدوین نشده بود ولی معذالک برای دادگاههای نظامی که قبل از متحد الشکل شدن ارتش تحت اصول و قواعد مدون و ثابتی نبودند راهنمای نسبتاً مفیدی بوده بعداً قانون محاکمات نظامی مصوب سی ام تیر ماه ۱۳۰۷ جانشین آئین نامه های مذکور در بالا گردید .

قانون مزبور گذشته از آنکه در کمیسیون قوانین عدلیه مجلس بتصویب رسید و جنیه قانونی داشت بانظر متخصصین قضائی وزارت دادگستری از قانون دادرسی نظامی فرانسه اقتباس و خوب تدوین شده بود و تا سال ۱۳۱۹ در دادگاههای نظامی مورد عمل بوده است . در قانون محاکمات نظامی تیر ماه ۱۳۰۷ تشکیلات

دادستانی ارتش وجود نداشت و دادستان های دادگاههای نظامی تابع مقام مخصوصی بنام دادستانی ارتش نبودند ولی عملاً همان اختیاراتی که در قانون دادرسی ارتشی بعدی (مصوب دیماه ۱۳۱۸) بدادستان ارتش داده شده است در قانون محاکمات نظامی مصوب تیر ماه ۱۳۰۷ فرماندهان نظامی واگذار شده بود بدین معنی که قرارهای منع تعقیب که از طرف باز پرس باموافق دادستان صادر میگردد بنظر فرماندهان مربوطه میرسیده و فرماندهان مزبور میتوانند باقرار صادر شده مخالفت نموده و متهم را قابل تعقیب تشخیص دهند و رأی فرماندهان در اینمورد قاطع بوده (در حقیقت بموجب قانون محاکمات نظامی مصوب تیر ماه ۱۳۰۷ فرماندهان نواحی نظامی که در حوزه مأموریت آنها دادگاه نظامی وجود داشت وظائف فرماندهی و دادستانی و قائمقانی دادگاه

حل اختلاف را ما هم انجام میدادند و این ترتیب بر طبق قانون دادرسی نظامی فرانسه بود که آنهم بعداً ملغی شده است. بموجب قانون محاکمات نظامی که تحت عنوان منطقه لشکری یا تیپ مستقل در داخله کشور تعیین گردیده یک دیوان حرب دائمی تشکیل میشد. دیوان حرب مزبور مرکب از یک رئیس و عده ای کارمند و در معیت آن یک دادستان، یک بازپرس و یک منشی موجود بوده و در این قانون از اداره دادرسی ارتش و دائره دادستانی ارتش که در قانون بعدی مصوب دیماه ۱۳۱۸ پیش بینی شده است ذکر نشده بود و بنا بر این دادگاههای نظامی مناطق قانوناً تحت نظارت و بازرسی هیچ مقامی غیر از فرماندهان همان نواحی و بزرگ ارتش داران فرمانده نبوده اند معذالک در زمان سلطه قانون ۱۳۰۷ در پایتخت اداره‌ئی بنام محاکمات نظامی و مدعی العموم کل عملاً وجود داشت و آراء صادره از محاکم نواحی نظامی را نظارت مینمود محاکم نظامی بموجب قانون محاکمات نظامی ۱۳۰۷ یکدرجه بوده یعنی دادگاههای تجدید نظر حق دخول در ماهیت قضیه را نداشتند و فقط در موارد نقص قوانین راجع به تفسیر و مجازات و صلاحیت و اصول محاکمات (در جاهائی که عدم رعایت آنها موجب بطلان است) آراء دیوان حرب های بدوی را نقض نموده و بدادگاه دیگری که در عرض دادگاه اولیه باشد ارجاع مینمودند.

قانون مزبور از ۲۵ فروردین ۱۳۱۹ ملغی و از همان تاریخ قانون دادرسی و کیفر ارتش مصوب دیماه ۱۳۱۸ بموقع اجرا گذارده شد و تا این تاریخ فعلاً با بعضی اصلاحات که بعداً بعمل آمده مجراً و معمول میباشد. در قانون نامبرده هر چند نسبت بقانون ۱۳۰۷ بعضی اصلاحات بعمل آمده ولی برعکس قانون ۱۳۰۷ در موقع تدوین نظر متخصصین قضائی جلب نشده و دارای اشتباهات فنی و قضائی بسیاری بوده و در برخی موارد نسبت بقانون سابق پاره‌ئی تغییرات بی‌مورد که حاکی از عدم اطلاعات قضائی نویسندگان آن بوده داده شده و با آنکه از تصویب کمیسیون قوانین دادگستری مجلس گذشته معلوم میشود در کمیسیون بهیچ وجه در معرض مطالعه و دقت قرار نگرفته است.

(سازمان قضائی نظامی)

برخلاف سازمان قضائی کشوری که جزو قوه قضائیه محسوب شده و از قوه مجریه منفک و دارای استقلال میباشد. سازمان قضائی نظامی جزو سازمان ارتش بوده و بنابراین جزو قوه مجریه محسوب و مأمورین قضائی نظامی استقلال و انفصالی که مأمورین قضائی دادگستری نسبت بقوه مجریه دارند دارانمیباشند بدین جهت استقلال قضات دادگستری که مخصوصاً از نظر استخدامی در اصل هشتاد و یکم قانون اساسی (بعنوان غیر قابل عزل بودن قضات کشوری) و همچنین در اصل هشتاد و دویم قانون اساسی (بعنوان عدم تبدیل مأموریت آنها بدون رضایت خود آنها) پیش بینی شده در ارتش نسبت به مأمورین قضائی نظامی قابل رعایت نمی باشد. و مأمورین قضائی نظامی باندازه مأمورین قضائی کشوری استقلال نداشته و از تغییرات و تبدیلاتی که ناشی از اغراض خصوصی باشد مصون نمی باشند. چون قضات نظامی مقدم بر هر چیز نظامی و تابع مقررات انضباطی میباشد غالباً ایرادی که نسبت به محاکم نظامی گرفته میشود این است که احکام صادره از دادرسان نظامی فرمایشی و حسب الامری بوده و صادر کنندگان آن دارای استقلال و آزادی عقیده نمی باشند. معذالک باید در نظر داشت دادگاه های اختصاصی نظامی يك قسم دادگاه اداری محسوب شده و فقط بجرائم نظامی که بمناسبت خدمت و در نتیجه خدمت ارتکاب شده رسیدگی مینمایند و در دادگاه های اداری کشوری تابعه سایر وزارت خانه ها نیز که به تخلفات خدمتی و اداری مستخدمین کشوری رسیدگی مینمایند مصونیت هائی که قانوناً قضات دادگستری دارا میباشد دادرس های دادگاههای اداری دارانمیباشند .

ثانیاً در قانون دادرسی و کیفر ارتش نیز مقرراتی وضع شده که دادرسان نظامی را در اظهار عقیده مستقل و آزاد شناخته و تا اندازه ئی آنها را از دخالت و اعمال نفوذ مقامات مافوق آنها برکنار مینماید. مادر حین بحث در سازمان قضائی در این فصل بعضی مقرراتی که برای جلوگیری از اعمال نفوذ روساء نسبت بمأمورین قضائی نظامی در قانون

دادرسی ارتش پیش‌بینی شده تشریح نموده و ضمناً مقررات دیگری که بموجب قوانین دادرسی نظامی سایر کشورها برای استقلال قضات نظامی موجود می‌باشد و بنظر ما بایستی در قانون دادرسی ارتش ایران نیز پیش‌بینی شود بیان خواهیم نمود .

نصب مأمورین
نصب مأمورین بموجب قانون محاکمات نظامی مصوب
قضائی نظامی تیرماه ۱۳۰۷ بر طبق قواعد و مقررات مدون و صریحی بود

که اقتباس از قانون دادرسی نظامی فرانسه شده بود : هر چند عملاً مقررات مزبور بهیچ وجه در موقع نصب قضات نظامی رعایت نمیشد ولی پیش‌بینی شدن آن در قانون یگانه وسیله‌ئی بود که تا اندازه‌ئی نظامیان ذینفع میتوانستند در هر موقع که بتوانند از نفوذ رؤساء در انتخاب دادرسان و مأمورین قضائی دادگاههای نظامی جلوگیری نمایند ولی متأسفانه تقریباً کلیه این مقررات عمده‌ایا سهواً از قانون دادرسی و کیفر ارتش مصوبه دیماه ۱۳۱۸ حذف گردید . مقررات مزبور از این قرار بودند :

الف - دیوان‌های حرب متشکله در مناطق نظامی دائمی بودند - یعنی دادرسهای آن و همچنین دادستانها و باز پرسائی که در معیت هر دیوان حرب موجود بودند برای مدت یک سال در شغل مزبور باقی بوده و جز در صورت تبدیل بقسمت دیگر یا از دست دادن صلاحیت قضائی قابل تغییر نبودند و عنوان دائمی که برای دیوان‌حربها در قانون ۱۳۰۷ منظور شده آنها را از تغییرات و تبدیلات بی‌مورد و دل‌بخواهی رؤساء و فرماندهان مناطق مصون داشته بود و حذف این عنوان از دیوان‌حربها در قانون مصوبه ۱۳۱۸ آنها را در معرض تغییرات رؤساء قرار داده است .

ب - تعیین رئیس و قضات دیوان حرب‌های دائمی هر چند از طرف فرمانده منطقه نظامی بوده ولی طبق اصول و مقررات مخصوص بوده بدین معنی که فرمانده هر منطقه نظامی بر طبق معرفی رؤسای هنگها جدولی از افسران آن منطقه که میتوانند بسمت دادرس بعضویت دیوان حرب معین شوند بترتیب درجه و قدمت خدمت معین مینماید و چنانچه در این جدول در نتیجه تغییر مأموریت افسران آن منطقه تغییراتی حاصل شود مقتدرجاً تصحیح شده و بدفتر دیوان حرب تسلیم میشود .